



اسدالله پیام

دنمارك

چند سخن عریان با اعضای حزب وطن

دوستان گرامی!

ضرورت ها، چالش ها، عوامل، و انگیزه های متراکم و متداخل زیادی اینجانب را منحیث يك عضو متعهد حزب وطن بدان وامیدارد که از مباحثات و بگو مگوهای «زیرسقفی»، «سندبازی ها و سندسازی های بی صلاحیت «مصلحتی»، و سرگردانی ها و سرگمی های «غرفه های انترنیتی» يك گام فراتر رفته و در مورد مسائل مطروحه - که در همین مقطع مشخص زمانی و مکانی پاسخ «همگانی» و عملی «همه» ما را می طلبد - باشما عزیزان همراه وهمفکر وارد گفتمان دوستانه، مسؤلانه، عریان ولی سازنده گردم.

اما مقدم بر آغاز؛ تاکید اکید من بر این خواهد بود که هدف نه واکنش محض به «تحریکات» و «افتترات» انترنیتی ونه هم کنار زدن و به اهانت کشانیدن این و یا آن تشکل و یا اشخاص معینی منسوب به حزب وطن است بلکه مراجعه بدون برگشت واستمداد جویانه به مفاهیم آزمون شدهء خود مان - که به «باهم بودنها»، «کنار آمدنها»، «تفاهم ها» و «وفاق های» فارغ از «معامله ها» همهء «ما» را فرامیخواوند - میباشد.

براین ضرورت ها و انگیزه ها و آن مسائل مطروحه که کنش طلب اند اندکی مکتب مینمایم:
- نخستین انگیزهء این گفتمان از ارزیابیها، برداشت ها و تصوراتی منشاء میگیرد که سال

پار در اقامت شش ماهه هدفمند سیاسی خود در داخل افغانستان حاصل نموده ام. در جریان بیش از دو صد ملاقات با صاحب نظران با صلاحیت افغانی و از آن جمله از تبادل نظر با کادرهای برجسته متشکل و غیر متشکل حزب وطن که نهایت آموزنده و درخور تعمق اند به استنتاج نسبتاً مشخص رسیده ام که الزاماً در مطالب مطروحه به نحوی منعکس خواهند گردید.

- دومین انگیزه این گفتمان مباحثات، توافقات، اجراءات و تبلیغاتی میباشد که بالخصوص در يك سال اخير پيرامون مجمع عمومی حزب وطن تحت عناوین موازی و یا متضاد از قبیل «کنگره وحدت»، «مجمع عالی احزاب و سازمان های جدا شده از بدنه حزب وطن سابق ح.د.خ.ا.» و «کمسیون تدارک مجمع عالی حزب وطن» و... در رسانه های افغانی اروپا منعکس گردیده اند.

- و انگیزه اخير این گفتمان همانا نشر چیزی بنام «گزارش جلسه شورای تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن در خارج» و اشاره به اختلاف نظر اینجانب و محترم کبیر کمال با عملکرد برخی کادرهای مسلط برین تشکیلات میباشد.

اما مسائل مطروحه که ما را هم بمثابه افغانی متعهد به وطن و هم من حیث اعضای حزب وطن به کنش و عملکرد مسئولانه و وقفه ناپذیر فرا میخواند نهایت زیاد و کثیرالابعاد اند که بناء بر مشخصات خود درین نوشته مختصر مورد مباحثه قرار گرفته نمیتوانند. حتی من قصد ندارم که درین نوشته به توضیح همه مفاهیم «سنخی» و مشترکی پردازم که بنیاد فکری حزب وطن بر آنها استوار است (نظریه و اندیشه مصالحه ملی، ماهیت حزب وطن تفاوت کیفی آن با ح.د.خ.ا و احزاب توتالیتر راست و چپ دیگر). برای آنکه از يك طرف برداشت های قسمی خود را در زمینه به مناسبت دهمین سالروز شهادت داکتر نجیب الله انعکاس داده ام (به آیکون صفحه سابقه سایت وزین پیام وطن مراجعه شود) و از جانب

دیگر پژوهشگر و متفکر برجسته حزب و وطن ما داکتر سید حمیدالله روغ درین رابطه تحلیل های بسیار مفید، علمی و نوارائه نموده است (مراجعه شود به سایت های پیام وطن ، آسمائی و اثر خیلی گرانبهای او «سندروم افغانستان»). وهم در طرح اعلامیه «گروه کاری برای بر رسی مسائل مربوط به تدویر کنگرهء حزب وطن» (به ترکیب محترم داکتر سید حمیدالله روغ، محترم نور اکبر پایش ، محترم فقیر محمد ودان و اسدالله پیام) در دیسامبر ۲۰۰۶ منعکس گردیده اند (مراجعه شود به سایت پیام وطن). و اخیرا درین رابطه محترم عبدالرزاق رحی و محترم انعام هوتک نیز مقالاتی در سایت های پیام وطن ، حزب وطن، آریائی و پندار به نشر سپرده اند.

ولی از زمره مسائل مطروحه درینجا من فقط به مسائلی به اختصار میپردازم که هم اکنون
وبالفعل از همهء ما اعضای متساوی الحقوق و متساوی الوجائب حزب وطن پاسخ عملی
و باهمی می طلبد :

- نخستین سوالی که مستیما در برابر ما مطرح بوده است اینست که آیا حزب وطن وجود دارد و یا مانند «ح.د.خ.ا و اتحاد شوروی سابقه» در لست به رحمت رفته گان تاریخ مندرج است؟ اگر وجود فزیک و نظری دارد آیا حضور مجدد آن در شرائط مسلط کنونی کشور یک ضرورت ملی است و یا آرمان و توهم محض اعضا و هواخواهان آن؟ و آیا اعضا و جزائر متشکل و غیر متشکل حزب وطن ظرفیت، توانائی و آماده گی عملی و ذهنی برای انجام همچو یک رسالت ملی را دارند؟

برای پاسخ واقعبینانه به این سوال بایست مستقیما به متن جامعهء خود مراجعه نمود و حقائق پروسه های در آستانهء نضج و تکوین سیاسی و از جمله چگونگی ساختار های احزاب سیاسی کشور مان را خیلی برهنه و بلا واسطه به بر رسی و بازرسی گرفت نه با استمداد از تیلسکوب ها و دوربین های یوروامریکن، نه بر پایهء پلان های پروژه های شبکه

های استخباراتی و اطلاعاتی خارجی و نه هم بر مبنای تیوری های میدان باخته و وهمی
دیروزی و یا محاسبات و مصلحت های فریبنده تشکیلاتی امروزی .

آغاز تحقق قانونی و عملی پلورالیزم سیاسی و مشارکت همگانی از جمله مفاهیم پارادیمی
مصالحه ملی اند که تاریخ افغانستان آنها را در زمرهء جسارت ها و افتخارات حزب وطن
و داکتر نجیب الله تسجیل نموده اند . اینکه امروز عبا و قبای امریکائی بدان پوشانیده اند به
عیان نمایان است که در غیابت مهندسین و طراحان وطنی خود تا چه حدی بیگانه گونه ،
کریمه المنظر و بی هدف به مشق و تمرین گرفته شده است (پروژهء احزاب سیاسی) . هر چند
درین اواخر ملتفت گردیده اند که این لجام گسیختگی «دیموکراتیک» را مهار نمایند .

از ۱۳۵ حزب و تنظیم و سازمان و نهضت و تشکیلات و کمیته و کمیسیون و راجستر شده
و غیر راجستر شده و بیش از یک هزار و یک اتحادیه و جبهه و انجمن و بنیاد و ... اگر بگذریم، که
باید بگذریم، فقط از اعضای « خانواده سابقهء بزرگ دیروزه ما » از جمله از میان اعضای
سابق حزب وطن که یا قبل از ۱۹۹۲ و یا هم بعد از آن از بدنه حزب وطن آگاهانه جدا شده
اند جمعا ۲۶ حزب و سازمان راجستر شده ایجاد گردیده اند . در ترکیب این احزاب تخمینا
۱۵-۱۷ فیصد اعضای سابق حزب وطن به شمول اعضای مهاجر راجستر اند . این احزاب
بالفعل بر مبنای اشتراکات سابقهء جناحی ، یا هم وابستگی های بیرونی و یا هم تمایلات
کسب شهرت و ثروت به سه کته گوری متفاوت از هم مجزاء میگردند :

در کتگوری اول احزاب و سازمانهایی شامل میگردند که بعد از پلینوم ۱۸ ح.د.خ.ا با اتکاء بر
تضمینهای مطمئن خارجی به تاسیس سازمان موازی مخفی پرداخته ، بعد از تاسیس حزب
وطن این سازمان را در هماهنگی با تنظیم های جهادی تجدید آرایش نموده و با استفاده از
همین سازماندهی در بهار ۱۳۷۱ ضربهء نهائی نظامی را بر پیکر خونچکان ملت افغان، حزب

وطن و پلان پنج فقره ئی سازمان ملل متحد وارد نمودند. اکثریت کادرهای رهبری و اعضای این کتله گوری همین اکنون در حزب واحد (نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و حزب ب متحد ملی افغانستان)، جنبش ملی اسلامی افغانستان، حزب افغانستان نوین و حزب پیروزی و حزب کنگره ملی با ماسک های جدید و ظاهرا متفاوت تنظیم و رسماً راجستر گردیده اند. اغلب اعضای این متحد چند پارچه اعتقادات مارکسیستی - لیننستی، وابستگی های خارجی خود، اتحاد سفارش شده با جبهه متحد ملی (ائتلاف شمال) و خصومت با مصالحه ملی و حزب وطن را کما کان حفظ نموده اند.

در کتگوری دوم احزاب و سازمانهایی شامل میگردند (البته با تفاوت جناحی دیروزی ح.د.خ.ا) که قسمت عمده آنها نیز بعد از پلینوم ۱۸ ح.د.خ.ا در تیبانی با رهبری کتگوری اول و با اتکاء بر همان تضمینهای مطمئن خارجی به سازماندهی مخفی نظامی مبادرت نموده و متعاقباً در هماهنگی با یک تنظیم جهادی کودتای نافرجامی را علیه دولت ج.ا. بر اه انداختند (پیروان حفیظ الله امین درین کودتا سهم نگرفتند اما بعد از تاسیس حزب وطن، همزمان با عضویت حزب وطن تشکیلات مخفی خود را حفظ نمودند). این کتگوری با حفظ اعتقادات ایدیالوژیک و قسما وابستگی خارجی، همین اکنون در د سولی غورجنگ، حزب ملی افغانستان (یکعده از کادر های این حزب در کودتا شرکت نداشتند) و د افغانستان د ملی یو والی گوند تنظیم گردیده اند. اینها نیز با حزب وطن و مصالحه ملی قسما مخالف اند.

در کتگوری سوم احزاب و سازمانهایی شامل اند که اکثریت آنها الی ۱۳۷۱ اعضای حزب وطن بوده، با مصالحه ملی و حزب وطن مخالفت نداشتند. اینها قسما زیر بار تا ثیرات دشواریهای «فاجعه تنظیمی» و مهاجرت، قسما تحت تاثیر تلقینات امریکائیه و اروپائیه، قسما هم در نتیجه پراگندگی و یا بی التفاتی تشکیلات فعال حزب وطن و یک عده قلیل این کتگوری به هدف کسب شهرت و یا ثروت و احتمالاً بر اثر سفارشات بیرونی از بدنه حزب

وطن جدا گردیده و به تشکیل احزاب جدید پرداختند. و عبارت اند از :

حزب دموکرات افغانستان ، حزب افغانستان واحد ، حزب جمهوری خواهان افغانستان ، حزب ملی فعالین صلح ا.، د هیواد ملی گووند ، حزب ترقی ملی ا.، حزب دموکراتهای آزاد ا.، د ملی درپخ گووند ، حزب آزادی خواهان مردم افغانستان ، نهضت آزادی و دموکراسی ، حزب رفاه مردم ا.، حزب سعادت مردم ا. و حزب تفاهم و دموکراسی ا. ،

هر سه کتگوری فوق الذکر از مدتها قبل هم با بن بست سیاسی و هم با افلاس تشکیلاتی مواجه گردیده اند . بعد از انفاذ تعدیلات تصویب شده ۱۲۸۸ قانون احزاب سیاسی افغانستان آنها جز انحلال و یا ادغام در احزاب سرتا سری که اعتبار از سال جاری شمسی راجستر خواهند گردید انتخاب دیگری نمیتوانند داشته باشند .

اما حزب وطن :

مساء سفانه همانگونه که کودتا ضد ملی ۱۹۹۲ فاجعه خشنتر و ویرانگر جدیدی را بر کافه ملت افغان تحمیل نمود حزب وطن مقدمترین و نخستین قربانی این فاجعه بود . به تعداد ۲۸ نفر از اعضای شورای مرکزی و هیئت اجرائیه ، ۱۲۶ نفر از اعضای شوراهای ولایتی و شورای شهر کابل و ۱۷۰ نفر از کادر های رهبری کننده ارگانهای سه گانه قوای مسلح حزب وطن در مرکز و برخی ولایات شمالی کشور ، خود از سازماندهندگان و مجریان کودتا بودند . شورای مرکزی حزب اعتبار از تاریخ ۲۶ حمل ۱۳۷۱ عملا از هم پاشید این در حالی بود که هیئت اجرائیه آن خلاف احکام اساسنامه حزب و قانون اساسی کشور توسط

«قرارگاه هیئت اجرائیه» (قرارگاه کودتا) قبلا صلب صلاحیت گردیده بود . «*عضای عموم الحال هیئت اجرائیه*»

در نتیجه همین عامل و انکشافات متعاقب داخل کشور و مهاجرت های تحمیلی ، تشکیلات

رهبری کننده مرکزی و ولایتی حزب وطن از هم فرو پاشیده و صلاحیت و مسئولیت

انسجام ، آرایش و تنظیم مجدد تشکیلات حزب اصولا به «عضو حزب وطن» منتقل گردیده

است. بر مبنای همین اصل و با پیروی از پرنسیب های کلی برنامه عمل و اساسنامه، اعضای متعهد حزب وطن تشکیلات محلات زیست را در داخل و خارج افغانستان مجدداً تاسیس نموده و با وجود برخی دشواریها و چالش های عینی، در جهت هم آهنگی و توحید سرتاسری این تشکیلات و تشکلات مساعی و کار مینمایند. از جمله تشکلاتی که در همین راسته فعالیت دارند عبارت اند از:

- اعضای حزب وطن (این تشکل عمدتاً در داخل افغانستان فعالیت مینماید و با تشکل

«صفوف حزب وطن» که در اروپا است رابطه ندارد)

- تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن

- کمیسیون مؤقت انسجام اعضای حزب وطن و سائر نیروهای وطن دوست

- کمیته انسجام برای احیای فعالیت حزب وطن

- صفوف حزب وطن

- کمیسیون تفاهم و وحدت حزبی های حزب وطن در اروپا

- حزب ملی وطن

در پاسخ نخستین سوال مطرح شده خود با جرئت و افتخار میتوان اظهار نمود که بلی!

حزب وطن در وجود اعضا و تشکلات متنوع آن وجود دارد که از سیاستها و نظریات

ستراتیژیک حزب خود با متانت دفاع نموده و اینک دارند تا با توحید دموکراتیک تنوع خود

حضور مجدد و فعال حزب وطن را در حل سیاسی تمام معادلات افغانی تامین نمایند.

تا جائیکه به مقبولیت ملی و تحمل پذیری حزب وطن ارتباط میگرد، بدون آرمانگرایی و

ذهنیگری، میتوان به عرض رساند که یگانه حزب سرتاسری که از لست انتظارات و امیدهای

مردم حذف نشده خوشبختانه حزب وطن است و «دیگران» نیز این را در یافته اند که

«اگر ارباب نباشد ده ویران میگردد». این حزب ظرفیت های فرا کافی نه تنها برای تامین

حضور مجدد خود بلکه برای اعمار مجدد وطن نیز دارد. اما برای آمادگی خود باید «کار کرد و بسیار کار کرد» و بلا درنگ برای تلافی فرصت های از دست رفته حرکت نماییم.

- مسئله متعاقب مطروحه اینست که چگونه و با استفاده از کدام میکانیزم مجاز حضور مجدد و سرتاسری حزب وطن تامین گردد؟

در پاسخ عملی به همین مسئله است که ما به شیوه ها و راهکارهای متفاوت ، بعضا غیر مجاز و حتی متضاد متوصل گردیده ایم و از همین سبب هم است که ما هم امکانات و هم فرصت های زیادی را بهدر داده ایم. نتیجتا تا هنوز که هنوز است در نقطه مبدا و آغاز قرار داریم .

یکی از مهمترین عواملیکه ما را تا کنون مکررا ولی بیهوده بخود مصروف نموده اینست که تحت تاثیر تلقینات فریبنده از قبل پلان شده دیگران قرار گیریم. این تلقینات که در پوششهای ظاهرا زیبای از قبیل «اعاده خانواده بزرگ سیاسی» ، «وحدت ح.د.خ.ا یا حزب وطن» ، «کنگره وحدت» و «مجمع عالی سازمان ها و احزاب جدا شده از بدنه حزب وطن سابق ح.د.خ.ا» ملمع گردیده اند ما را عملا به بیراهه کشانیده است . این واقعیت به توضیح و تفسیر بیشتر نیاز ندارد که «آنها» ۲۵ سال قبل از مصالحه ملی و ۲۰ سال قبل از حزب وطن راه خود را آگاهانه جدا نموده نموده اند. نه آنها نیت و «اجازه» دارند که با ما در يك حزب واحد و آنها در حزب وطن بیایند و نه هم ما حاضریم که با عاملین فجایع دیروزی در يك حزب آنها در حزب وطن باشیم . ما قبل از هر امر دیگر اصولا مکلفیت داریم که امکانات و مساعی خود را در جهت تجمع اعضای حزب وطن و توحید تشکلات پراکنده حزب وطن متمرکز نماییم. ما «آینده را قربانی گذشته» نمینماییم ، ما «سیاست میکنیم» اما نه «سیاست بازی». (طوریکه برخی دوستان برای توجیه کجراهی خویش به همچو